

رویکرد جلوگیری از جرم از طریق طراحی محیطی (CPTED)^۱

زینب کرکه آبادی^۱، علی باقری^۲، مهدیه باقری^۳

^۱ دانشیار، گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران
^۲ دانشجوی دکتری تخصصی، رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران
^۳ دانشجوی دکتری تخصصی، رشته مهندسی عمران- آب، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

نویسنده مسئول:

علی باقری

چکیده

گسترش شهرنشینی و مسائل و مشکلات خاص زندگی شهری، بیش از پیش ضرورت توجه همه جانبه به راهبردهای سودمند برای بهینه سازی زندگی ساکنان شهرها را لازم ساخته است. در میان عوامل تأثیرگذار در شهرها مانند محیط زیست شهری، حمل و نقل شهری، ایمنی شهری و برنامه ریزی شهری، یک عامل بسیار مهم که تأثیر فزاینده و تعیین کننده ای بر دیگر عوامل سازنده زندگی شهری دارد، مدیریت شهری است. هر فعالیت اجتماعی بدون وجود مدیریت سازمان یافته که اهداف و ابزارهای رسیدن به آنها را مشخص کند و فعالیت ها را هماهنگ سازد، از هم می پاشد و به بی نظمی می گراید. شهرها نیز که پیچیده ترین و متنوع ترین جلوه های زندگی اجتماعی بشری را در خود دارند، بدون وجود نظام مدیریت شهری که ضمن انجام برنامه ریزی های لازم برای رشد و توسعه آینده شهر به مقابله با مسائل و مشکلات کنونی آنها بپردازد، بی سامان می گردند. لذا؛ هدف اصلی این مقاله معرفی اصول و کلیات رویکرد طراحی محیطی شهر به منظور بیان ضرورت اجرایی نمودن این رویکرد با توجه به رشد و گسترش شهرنشینی در دنیای امروز می باشد. به عبارت دیگر هدف از این مقاله روشن نمودن جایگاه و اهمیت رویکرد طراحی محیطی در شهرها به منظور ایجاد محیطی امن برای شهروندان است. روش تحقیق، روش کاربردی و شیوه مطالعه بر حسب روش و ماهیت، تحقیق توصیفی- تحلیلی می باشد. برای گردآوری اطلاعات از روش های کتابخانه ای، اسنادی استفاده شده است. بر اساس نتایج تحقیق، لزوم اجرای عملی اصول طراحی محیطی در کلیه شهرها مشخص شده است.

کلمات کلیدی: برنامه ریزی شهری، مدیریت شهری، طراحی محیطی، CPTED.

¹⁻ CPTED: Crime Prevention Throu Environmental Design

مقدمه

احساس امنیت در فضاهای شهری یکی از مهمترین شاخص های کیفیت فضا محسوب می شود و به رغم اینکه مسئله امنیت در هر جامعه، یک مقوله پیچیده و دارای ابعاد متنوع و متعدد اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است، در تأمین این نیاز نمی بایست از نقش و تأثیر عوامل محیطی غافل شد [1]. اهمیت این موضوع به اندازه ای است که در طبقه بندی نیازها که توسط مازلو به انجام رسیده است، امنیت پس از نیازهای فیزیولوژیک (آب، غذا و ...) به عنوان دومین طبقه از مهمترین و بنیادی ترین نیازها معرفی شده است.

به عبارت دیگر؛ نیاز به امنیت، همواره از بنیادی ترین نیازهای بشر و مسئله وقوع جرم از مهمترین مسائل جامعه بشری به شمار رفته است. حال آنکه شرایط تأمین و برطرف کردن این مسئله با رشد و گسترش جوامع، امروزه پیچیده تر هم شده است. بررسی های آماری جرائم موید آن است که در گذشته و نیز در جوامع ساده روستایی معاصر، به لحاظ وجود روابط چهره به چهره و نیز حاکم بودن نظارت های اجتماعی خودجوش، احساس امنیت بیشتری وجود داشته و دارد. ولی در جوامع شهری بزرگ، به لحاظ عدم وجود نظارت های اجتماعی کارا، احساس ناامنی یکی از مهمترین مسائل شهری محسوب می شود.

با این شرایط به نظر می رسد اکتفا و بسنده کردن به ابزارهای کنترل رسمی و عامل، از جمله پلیس و دستگاه قضایی برای مقابله با این شرایط و آشفتگی های اجتماعی (Anomy)، وافی به مقصود نخواهد بود.

از اینروست که جامعه شناسان و متخصصان تعلیم و تربیت بر راه حل پیشگیری اجتماعی اشاره می کنند. امروزه با گسترش شهرنشینی و افزایش رفتارهای ناهنجار شهری به ویژه جرائم، موضوع پیشگیری محیطی از طریق برنامه ریزی و طراحی محیطی، همینطور توجه ویژه مدیریت شهری به این موضوع، اهمیت زیادی یافته است.

مسئله مورد نظر این مقاله، برخی از ویژگی های محیطی شهر است که از آن طریق، حتی شرایط اجتماعی نیز تحت الشعاع قرار می گیرند و به دلایل متعدد، مکان را مستعد جرم خیزی می کنند. در واقع؛ چون وقوع هر نوع جرم مستلزم مکان و نیازمند یک بستر محیطی مساعد است، ویژگی برخی از محیط های شهری، آن مکان ها را به مکان ها و فضاهای جرم خیز تبدیل می کنند. بدین ترتیب علاوه بر کنترل محسوس (از طریق به کار گماردن مأمورین انتظامی) و نیز پیشگیری اجتماعی (از طریق کنترل رفتارهای اجتماعی افراد از بدو تولد و ارائه آموزش های لازم)، صاحب نظران علوم محیطی روش های غیرمستقیم تری را نیز مورد توجه قرار می دهند. برای این منظور به شرایط محیطی مساعد در جرم خیزی توجه می شود تا از طریق اتخاذ تمهیدات فضایی و کالبدی (دفاع غیرعامل یا کنترل غیرمحسوس) مناسب، آن شرایط را با افزایش امکان نظارت اجتماعی تا حد امکان تضعیف و یا از بین برد.

بر این اساس، مدیریت شهری از طریق به کار بستن برنامه ریزی و طراحی محیطی و با شناخت ویژگی های موثر مکانی و شرایط محیطی، در کنار سایر اقدامات دیگر می توانند از وقوع رفتارهای ناهنجار، جرم و جنایت در مکان های شهری پیشگیری نمایند، به نحوی که افراد خلافکار، فرصت اجرای رفتارهای مجرمانه و جنایتکارانه را در مکان ها و فضاهای شهری، بسیار کمتر یابند [2].

اهمیت این موضوع با توجه بیشتر به بحران شهرنشینی در ایران محسوس تر خواهد بود. در واقع به نظر می رسد، جامعه شهری ما و نیز نظام اجتماعی و نظام شهرسازی اخذ شده از آن، همینطور نظام مدیریت شهری، هنوز از دست نامرئی شهرسازی (برنامه ریزی و طراحی فضایی، کالبدی و محیطی) در پیشگیری از جرائم شهری غافل مانده است.

در این چارچوب با توجه به نقش عوامل محیطی در بروز جرائم و بر اساس استراتژی جلوگیری از جرم مکان محور، رویکرد جلوگیری از جرم از طریق برنامه ریزی و طراحی محیطی، به عنوان تئوری مستقلی پدیدار شده و امروزه به عنوان رویکردی در حال توسعه و در حال اجرا در مقیاس جهانی شناخته می شود. بنابراین؛ این مقوله (با توجه به نقش بسیار مهم امنیت در سرزندگی شهری) می بایست مورد توجه ویژه مدیریت شهری قرار گیرد، به نحوی که احساس امنیت شهروندان بویژه در فضاهای شهری تأمین گردد. البته نمی توان از این نکته غافل شد که عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی؛ شاید نقش موثرتری در ارتقای امنیت شهری، پیشگیری از جرم و ناهنجاری ها و کج روی های اجتماعی داشته باشد ولی نمی توان از نقش عوامل محیطی در کنار عوامل مذکور غافل شد.

نکته مورد نظر این مقاله اینست که؛ هر چند این عوامل بصورت بالقوه، زمینه ساز ناهنجاری اجتماعی تلقی می شوند، ولی عوامل محیطی دیگر، مانند طرح و کالبد فیزیکی فضاها، نقش بسیار مهمی در استعداد بروز جرائم در مکان ها و یا پیشگیری از وقوع آن دارد.

تعریف امنیت

مفهوم امنیت را می توان دارای قدمتی طولانی تر از مفهوم اجتماع و جامعه دریافت. تاکنون در زمینه امنیت، تعاریف گسترده ای ارائه گردیده است. تعاریف لغوی مختلفی که از حالات و موقعیت های ذهنی (احساس امنیت) تا موقعیت های عینی و بیرونی (موقعیت ایمن) در نوسان است. "امنیت" واژه ای عربی از ریشه امن است. در فرهنگ آکسفورد، واژه Security به "در حفظ بودن، فراغت از خطر یا اضطراب و تشویش" معنی شده است و در برخی از متون، بین واژه امنیت Security و ایمنی Safety تفاوت قائل شده اند. Security "رهایی یا حفاظت از خطر نگرانی، اقدامات پیشگیری برای تضمین امنیت از یک کشور، شخص، مقوله های ارزشی" و Safety "وضعیت بی خطر بودن و توانایی برای حفظ سلامتی" معنی شده است. در فرهنگ فارسی عمید، "امنیت" دارای معانی "در امان بودن، آسودگی، آسایش و ایمنی" است [3]. فرهنگ لاروس، امنیت را چنین تعریف می کند: "اعتماد، آرامش روحی و روانی است. تفکری که بر اساس آن؛ خطر، ترس، وحشت و خسران بی معنی می شود و معادل فقدان مخاطرات است".

ابعاد امنیت

به طور کلی دو بعد عینی و ذهنی برای امنیت وجود دارد. بعد عینی، آنست که با عوامل عینی، محیطی و رفتاری ارزیابی می شود و بعد ذهنی بر اساس احساس امنیت از جمع درک می شود. هر دو بعد می توانند بر یکدیگر تأثیر (اثر مثبت و یا منفی) بگذارند. بنابراین لازم است که این دو بعد مورد توجه قرار داده شوند تا امنیت جمع ارتقا یابد. در حقیقت؛ بعد ذهنی امنیت، به احساس یک جامعه از امنیت باز می گردد و در واقع کاهش وقایع نامناسب لزوماً منجر به افزایش نسبی احساس امنیت نخواهد بود. در واقع اینگونه ابزارها هیچگونه راه حل بلند مدتی را ارائه نمی کند و تنها یک راه حل موقتی و زودگذر است و مجرمان نیز تدریجاً راه های جدیدتری پیدا خواهند کرد. اما از میان موارد مذکور، توجه به امنیت شهری برای ایجاد ارتباطات اجتماعی و ارائه خدمات عمومی و همچنین ایجاد شهری سالم و امن، همواره مورد توجه برنامه ریزان شهری بوده است.

تعریف جرم

تا کنون تعاریف گوناگونی از جرم ارائه شده است. اندیشمندان حوزه های مختلف علوم، تعاریف مختلفی از آن بیان کرده اند، همچنین تعریف آن مانند برخی از اصطلاحات دیگر؛ از ویژگی های فرهنگی و اجتماعی و قانونی جوامع تأثیر پذیرفته و از اینروست که تعاریف های متفاوتی به خود گرفته است. در این مقاله به تعریف ارائه شده توسط حقوق دانان، جرم شناسان و جامعه شناسان اکتفا می کنیم:

- از نظر حقوق دانان، جرم "هرگونه عملی برخلاف تکالیف فرد نسبت به جامعه است که ارتکاب آن مستلزم عقوبت و مجازات باشد".
- در حقوق کیفری ایران "هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می شود".
- از نظر جامعه شناسان بر طبق نظر دورکیم، جرم پدیده طبیعی اجتماعی است و از نظام، فرهنگ و تمدن هر اجتماع ناشی می شود. برخی دیگر؛ جرم را عملی توصیف می کنند که در رابطه با رفتارهای عادی اعضای گروه اجتماع، تقصیر و خطا محسوب شده و رفتار ناهنجار باشد. جرم شناسان، ناسازگاری افراد را در اجتماع، عمل ضد اجتماعی و جرم می نامند و برخی دیگر عقیده دارند که تعدی و تجاوز به شرایط زندگی، عمل ضد اجتماعی می باشد.

دلایل وقوع جرم

دلایل وقوع آنومی و بالاخص جرم، بسیار زیاد و پیچیده اند. بطور خلاصه یک جرم، زمانی بوقوع می پیوندد که وجود یک انگیزه تحریک آمیز و یک مجرم دارای زمینه قبلی، زمینه وقوع جرم را فراهم نماید. زمینه وقوع، در واقع دربردارنده یک هدف مناسب در یک زمان و محیط دلخواه، در غیاب افرادی که ممکن است از جرم جلوگیری کنند و در حضور افرادی که وقوع جرم را تسهیل می کنند. به مجموعه این شرایط پیوستگی فرصت ارتکاب جرم گفته می شود.

پیشگیری از جرم

آقای گسن جرم شناس فرانسوی، "پیشگیری" را چنین تعریف می کند: "پیشگیری شامل مجموع تدابیر سیاست جنایی (به استثناء تدابیر نظام کیفری) می شود که غایت انحصاری یا لاقول جزئی آن، تحدید امکان وقوع مجموع اقدام های مجرمانه از طریق غیرممکن کردن، دشوارتر کردن یا کمتر محتمل کردن آنها است." [4]. در تعریف دیگری "پیشگیری از جرم" توسط اشنایدر و کیتچن چنین تبیین می شود: "یک الگویی از نگرش ها و رفتارها که به کاهش تهدیدات و افزایش احساس ایمنی و همچنین امنیت توجه دارد، بطور مثبت به کیفیت زندگی تأثیر گذاشته و به توسعه محیط هایی که جرم نتواند رشد و نمو نماید، کمک می کند.

پیشگیری از جرم و برنامه ریزی و طراحی محیطی

دسترسی به هدف اصلی برنامه ریزی شهری در جامعه، که همان تأمین آسایش، رفاه، پاسخگویی به خواست ها و نیازهای حیاتی گروه های مختلف می باشد، ارتباط تفکیک ناپذیری با هدف پیشگیری از جرم دارد که همان کاهش میزان وقوع جرم و افزایش میزان امنیت در جامعه است. و اما؛ سه رکن اصلی پیشگیری از جرم عبارتند از:

۱- اجرای قانون

۲- شناسایی گروه های در معرض خطر

۳- برنامه ریزی و مدیریت فیزیکی [5].

آنچه بطور مستقیم با برنامه ریزی شهری ارتباط پیدا می کند زیر عنوان "برنامه ریزی و مدیریت فیزیکی" از جمله بهبود روشنایی خیابان، احیای فضای عمومی و باغ ها، طراحی خیابان ها، ساختمان ها، پارک ها و غیره به منظور کاهش فرصت های جرم می باشد.

نظریاتی در باب جرم شناسی شهری و محیطی

پیشینه و زمینه نظری مباحث جرم شناسی شهری را باید حداقل از مکتب جامعه شناسی شیکاگو و مطالعات اولیه اکولوژی شهری مورد بررسی قرار داد. اواسط قرن نوزدهم، نقشه برداری از توزیع و آمارگیری جرم آغاز شد. گرلند (۱۹۹۷) در قرن ۱۹ مطالعات بلند مدت و پیوسته ای را از مکان های پرخطر ثبت نمود.

الف) مکتب اکولوژی شهری

اکولوژی شهری برای اولین بار در سال ۱۹۱۶ در زمینه بررسی های شهری به وجود آمد و طی دهه ۱۹۲۰ مطالعات اکولوژی اجتماعی شهرها به شدت از مکتب جامعه شناسی شیکاگو تأثیر پذیرفت.

علم اکولوژی شهری را "رابرت پارک" بنیان نهاد. وی کوشید تا مفاهیم زیست شناختی علم اکولوژی را در مطالعات شهری مورد استفاده قرار دهد. در تعریف اکولوژی شهری (انسانی)، آنرا علم شناسایی روابط متقابل میان انسان و محیط ذکر کرده اند. "پارک" در اثر معروف خود، توصیه هایی برای تحقیق در مورد رفتار انسانی در محیط شهر؛ شهر را به مثابه آزمایشگاهی جهت بررسی رفتارهای انسانی مطرح کرد. بعدها در چارچوب این موضوع، در جامعه شناسی شهری و سپس در جرم شناسی از مکتبی به نام مکتب اکولوژی شهری نام برده می شود. این مکتب روی رفتار انسان در محیط های شهری تمرکز می نماید [1].

مفاهیم زیست شناختی همچون عامل رقابت، تسلط، انطباق، توالی و تسلسل و اصلاح بقای اصلی در بررسی نابرابری های اجتماعی شهر برای درک انطباق جمعی و ناآگاهانه جمعیت های انسانی در محیط شهر اقتباسی از این مکتب است.

از نقاط قوت دیدگاه اکولوژیک، توجه به مشخصات کالبدی برخی مناطق شهر در بروز کج روی های اجتماعی است. لذا خصوصیات کالبدی، اجتماعی-اقتصادی حاکم بر نواحی خاص شهر در بروز کج روی های اجتماعی مورد بررسی قرار می گیرد. این دیدگاه مشخصاً به بررسی پدیده های اجتماعی نظیر جرم و جنایت و امراض روانی در شهرها و در ارتباط با بخش های مختلف شهر و ترسیم نقشه های مربوط به آن اختصاص یافت که طی آن در پاره ای مناطق داخلی شهرها و یا محلات شهری به عنوان حوزه های جرم و جنایت و حوزه امراض روانی معرفی گردیدند.

ب) مکتب آسیب شناسی شهری

در سال ۱۹۶۵ مکتب اکولوژی تطبیقی و آسیب شناسی شهری را "اف، ال، سوتیزر" برای آگاهی از ساخت اکولوژیکی شهرها مطرح کرد و مراد از آن به کارگیری مفاهیمی است که به شناخت زندگی مردم در محلات مختلف شهری کمک می نماید. بر این اساس؛ آسیب شناسی شهری پیدایش، کیفیت، پراکندگی جرائم، امراض، ناآرامی های شهری را در شهرهای مختلف جهان مورد بررسی قرار داد [1].

ج) نظریه چشمان خیابان جین جیکوبز

جین جیکوبز با طرح نظریاتش در کتاب خود تحت عنوان "مرگ و زندگی در شهرهای بزرگ آمریکایی"، تأثیری بسیار چشمگیر در نظریات جرم شناسی شهری ایفا کرد. در نظریه او، شرط یک همسایگی موفق آن بود که یک شخص باید در خیابان و در بین غریبه ها، احساس ایمنی و امنیت شخصی کند. وی اینطور عنوان می کرد که علاوه بر تلاش پلیس، امنیت عمومی در شهر، حاصل یک شبکه پیچیده از معیارها و کنترل های اختیاری درباره پیاده روها و کاربری های مجاور می باشد. در این نظریه؛ عنوان شد که خیابان های یک شهر باید قسمت اعظم نظارت و کنترل بر غریبه ها را انجام دهد، چرا که خیابان محلی است که در آن غریبه ها در آن آمد و شد می کنند. وظیفه خیابان ها صرفاً دفاع از شهر در برابر غریبه های یغماگر نمی باشد، بلکه باید از غریبه های محترم و طرفدار آرامشی که آن خیابان ها را جهت تضمین امنیت خود انتخاب می کنند، نیز حمایت کند [6].

از نظر او؛ همچنین لازم است که خیابان تمایزی صریح بین فضای عمومی و فضای خصوصی ایجاد کند و پیاده روها می بایست به نحو مطلوبی برای استفاده بیشتر و بهتر مردم آماده شوند. بنابراین لازم است که خیابان در طول پیاده روهایش جذابیت داشته و برخی از مکان های عمومی آن در شامگاهان و شبانگاهان نیز باز باشند. جیکوبز در نظریه خود منطقه بندی شهر را از دیدگاه امنیتی و انسانی برای شهرها فاجعه بار می خواند. او مطرح نمود که منطقه بندی سیستماتیک نواحی برای استفاده های خاص، میزان پتانسیل چشمان خیابان را کاهش می دهد.

تعریف و مفاهیم رویکرد CPTED

در این چارچوب با توجه به نقش عوامل محیطی در بروز جرائم و بر اساس استراتژی جلوگیری از جرم مکان محور، رویکرد جلوگیری از جرم از طریق طراحی محیطی CPTED، به عنوان تئوری مستقلی پدیدار شده و امروزه به عنوان رویکردی در حال توسعه و در حال اجرا در مقیاس جهانی شناخته می شود.

این نوع رویکرد جدید محیطی جرم، بر این مدار است که بتوان از طریق ساختار کالبدی شهری و طراحی محیط های مصنوع از ارتکاب جرائم جلوگیری نمود. این امر از طریق کاهش پتانسیل طبیعی و کالبدی مناطق شهری در جرم خیزی یا کاهش امکان دهی به وقوع جرم ممکن می شود [7].

در واقع از آنجا که هر مکان شهری محل رفتارهای ویژه شهروندان است و از سویی دیگر؛ تنها محیط هایی جرم خیز محسوب می شوند که تحت نظارت عمومی نیستند یا پتانسیل بالقوه ای برای ارتکاب جرم داشته باشند، می توان از طریق طراحی محیط کالبدی شهری یا معماری ساختمان از ارتکاب جرائم شهری جلوگیری به عمل آورد. رویکرد محیطی را می توان رویکردی هدفمند در جهت طراحی کارآمد و هوشمندانه مولفه های محیطی با بکارگیری بهینه محیط مصنوع در کاهش جرائم دانست که به طور موثری در افزایش میزان رضایت شهروندی و بهبود رفاه اجتماعی جامعه، تأثیرگذار است [8].

همچنین بر این موضوع اتفاق نظر جمعی وجود دارد که این رویکرد در دو بعد کاهش حقیقی جرائم در محیط های شهری از یکسو و افزایش احساس ایمنی و امنیت فضایی در آنها می تواند موثر واقع شود.

بر اساس جلوگیری از جرم مکان محور، جلوگیری از جرم از طریق طراحی محیطی، به عنوان تئوری مستقلی پدیدار شده و امروزه به عنوان رویکردی در حال توسعه و در حال اجرا در مقیاس جهانی شناخته می شود.

ارزیابی اثرات ابعاد مختلف رویکرد جلوگیری از جرم مکان محور، کاری است بس دشوار، بطوریکه شناسایی و کیتچن آنرا به دشواری رهایی یافتن از تارهای عنکبوت تمثیل نموده اند. به طور کلی، رویکرد CPTED را می توان طراحی کارآمد و به کارگیری بهینه کلیه عناصر موجود در محیط مصنوع به منظور کاهش جرائم شهری دانست که به طور مستقیم و غیرمستقیم در ارتقاء کیفیت زندگی و افزایش رضایتمندی شهروندی و بهبود رفاه و سرمایه اجتماعی تأثیر بسزایی دارد [9].

مرکز بین المللی جرائم (NICP) آنرا طراحی و استفاده مناسب از محیط ساخته شده برای کاهش یا جلوگیری از جرائم و بهسازی کیفیت زندگی می داند.

انجمن بین المللی CPTED (ICA) نیز آنرا استفاده هوشمندانه از فضای ساخته شده در جلوگیری از جرائم در فرآیند طراحی و برنامه ریزی محیط مصنوع تعریف می کند [11].

راهبردهای جلوگیری از جرائم شهری از طریق طراحی محیطی

برای کاهش و جلوگیری از جرائم شهری از طریق طراحی محیطی، نظریه پردازان به راهبردهای مختلفی اشاره کرده اند [10]. این راهبردها را می توان چنین بیان نمود:

- ۱- تعریف فضاهای کنترل شده در ساختار شهری
- ۲- افزایش نظارت طبیعی در معابر و فضاهای شهری
- ۳- تعریف مشخص فضاهای عمومی، نیمه عمومی و خصوصی
- ۴- ایجاد و یا امکان دهی به رفتارهای امن در مناطق نا امن شهر
- ۵- جلوگیری از مکان های نا امن در مناطق امن شهری.

اصول اساسی رویکرد CPTED

نیومن (۱۹۷۳) و موفات (۱۹۸۳)، شش خصوصیت اصلی را به مفاهیم اولیه CPTED پیشنهاد دادند که به عنوان مفاهیم اصلی این رویکرد شناخته شدند.

در نمودار زیر مفهوم CPTED به عنوان "پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی" در قالب یک محیط وسیع تر (The wider environment) در مرکز اصول؛ قلمروگرایی (Territoriality)، نظارت (Surveillance)، کنترل دسترسی (Access control)، حمایت از فعالیت (Activity Support) خوانایی محیط- مدیریت و نگهداری (Image Maintenance) مستحکم سازی هدف (Target Hardening) قرار گرفته است.

الف) قلمروگرایی (Territoriality)

از میان اصول اساسی رویکرد CPTED "قلمرو" مفهومی را به ذهن متبادر می کند که فضاهای خصوصی را از فضاهای عمومی جدا کرده و بر اساس مالکیت خصوصی شکل می گیرد. این مفهوم از طریق تقویت احساس و روحیه مالکیت در محیط های ساخته شده و مصنوع ممکن می شود که به ایده چتر (Umbrella concept) موسوم است [12].

همچنین مفهوم قلمروگرایی می تواند بعنوان حس مالکیتی که استفاده از فضای اجتماعی را تحت تأثیر قرار می دهد، تلقی شود. در راهبردهای CPTED تعیین قلمرو حاکمیت، یک نقش محوری دارد. مردم با احساس مالکیتی که نسبت به اموال و املاک خود دارند از آن محافظت می کنند (البته نسبت به حریم مالکیت دیگران نیز احترام قائلند). افزایش میزان قلمرو با کاهش میزان جرم ثبت شده و ترس از جرم مرتبط بوده است.

ب) نظارت (Surveillance)

طراحی فیزیکی، ظرفیت توسعه فرصت های نظارت طبیعی یا غیررسمی را برای ساکنان دارا می باشد. بر این اساس اگر مجرمان احساس نمایند که به وسیله مردم دیگر مشاهده می شوند، امکان انجام جرم توسط آنها کاهش می یابد. انواع مختلفی از نظارت شامل نظارت طبیعی (فرصت های خود نظارتی ساکنان که به وسیله پنجره ها تجهیز شده)، رسمی یا سازمان یافته (مانند گشت های پلیس) و استراتژی های نظارت مکانیکی (روشنایی خیابان و دوربین های مدار بسته) تشخیص داده شده اند [13].

ج) کنترل دسترسی (Access control)

کنترل دسترسی در بیان ساده یعنی تعیین مرز و حدود مالکیت فضاهای خصوصی و نیمه خصوصی از فضاهای عمومی و فلسفه آن؛ محدود کردن استفاده افراد اجتماع از فضاهای غیرعمومی است. این محدودیت ها می تواند سمبولیک (مثل نرده، دیوار کوتاه، مناظر، بوته و نوع پوشش کف) یا واقعی (مثل دیوارها، حصارهای بلند و ...) باشند [14]. کنترل دسترسی می تواند شامل انواع غیررسمی یا طبیعی (تعریف مکانی)، رسمی یا سازماندهی شده (پرسنل امنیتی) و استراتژی های مکانیکی (قفل ها) باشد.

راهکارهای رویکرد CPTED در زمینه بهبود دسترسی با در نظر گرفتن ملاحظات امنیتی عبارتند از:

- ۱- فراهم آوردن منظر مناسب و روشنایی و عابر پیاده بین نواحی مسکونی و تجاری

- ۲- به کارگیری سیستم خیابان دایره ای برای آسان سازی نظارت ترافیک مسکونی
- ۳- اضافه کردن نرده ها و روشنایی مناسب برای نواحی تجاری
- ۴- آگاهی دادن به عموم از مکان قرارگیری ورودی ها و خروجی ها
- ۵- استفاده از زیرساخت های شهری مانند پوشش کف و جداره و محوطه سازی
- ۶- نورپردازی عمومی مطلوب و کافی بر دروازه ها و ورودی و سیستم دسترسی.

د) حمایت از فعالیت (Activity Support)

به منظور فراهم و ایجاد کردن برخی فعالیت های اجتماعی در مناطق شهر است تا علاوه بر اشتغال زایی و ایجاد تسهیلات رفاهی بتوان میزان نظارت انسانی را بر مناطق افزایش داد [15].

به طور کلی فعالیت های امن، جاذب شهروندان عادی بوده که حضور مجرمان را در محیط کمرنگ می نماید. این رویکرد به طور واضحی، عناصری از قلمروگرایی، کنترل دسترسی و نظارت را شامل می شود [9].

اگرچه افزایش تعداد افراد پیاده ممکن است "چشمان خیابان" را افزایش دهد و به طور بالقوه ای تعدادی از جرم ها را کاهش دهد، ولی این رویکرد می تواند بعضی از اهداف را برای جرم (مثل جیب بری) تشویق نموده و افزایش دهد [13].

ه) خوانایی محیط - مدیریت و نگهداری (Image Maintenance)

معنی داری شرایط فیزیکی و خوانایی محیط و اثر آن روی جرم و ترس از جرم، همیشه مورد بحث بوده است. نمادها و علائم و یا به عبارت دیگر، نشانه ها از دید صاحب نظران سیمای شهری از عوامل مهم تشخیص قسمت های مختلف شهر هستند و بدین ترتیب افراد، بخصوص افراد غریبه به محیط و تازه واردین، از طریق برقراری ارتباط با آنها احساس امنیت می کنند و مسیر خود را می یابند [16].

بنابراین تصویری نیکو از محیط، به شخص نوعی احساس امنیت می دهد که وی می تواند رابطه ای موزون بین خود و جهان خارج به وجود آورد و این درست خلاف احساس ترس است که بر شخص مستولی می شود، زمانیکه راه و جهت خود را گم کرده باشد [17].

با مدیریت و نگهداری مناسب از مبلمان شهری و تابلوها و علائم شهری و چراغ های روشنایی می توان علاوه بر بهینه سازی هزینه های شهری، از بالا رفتن پتانسیل مناطق در جرم خیزی، کاست [11]. در این روش تلاش می شود قلمروها، نظارت طبیعی و دسترسی ها مورد حمایت قرار گیرد.

و) مستحکم سازی هدف (Target Hardening)

مستحکم سازی هدف، کار مجرمان را برای انجام جرم مشکل نموده و رویکردی رایج و با پیشینه طولانی برای جلوگیری از جرم می باشد [18]. این امر می تواند از طریق استراتژی های طراحی سایت و اقدامات بازرسی و کنترل دسترسی رسمی، پیاده شود (موسسه ملی جلوگیری از جرائم، ۱۹۹۱: ۳۰).

دو استراتژی اصلی برای مستحکم سازی هدف وجود دارد:

- ۱- استراتژی متمرکز شده روی بهبود سخت افزار برای ممانعت از دسترسی غیرقانونی
 - ۲- استراتژی استفاده از عناصر و سخت افزار برای جلوگیری از وندالیسم.
- برخی روش های آن عبارتند از: بهبود کیفیت قفل ها، لولاها و درها و پنجره ها و یا استفاده کافی از نرده ها، علائم هشدار دهنده CCTV (دوربین مدار بسته) و شیشه پنجره ها [18].
- همچنین این موضوع نیز مطرح شده که مستحکم سازی هدف بعضی مواقع، موجب تحریک مجرمان بالقوه شده و آنها را متوجه حضور عنصر با ارزش حفاظت شده ای در محیط می نماید.
- بطور کلی استفاده زیاد از سخت افزارها و تکنولوژی امنیتی، بدون وجود نظارت طبیعی خوب، ناکافی به نظر می رسد و مستحکم سازی هدف در کنار کنترل دسترسی و نظارت عملکرد بهتری خواهد داشت.

نتیجه گیری

موضوع امنیت و پیشگیری از جرم به لحاظ ذاتی، شدیداً تحت تأثیر شرایط و ویژگی های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگ محلی قرار دارد. هرچند در نظام مدیریت شهری ایران، شهرداری مسئله امنیت را در زمره وظایف قانونی و مستقیم خود نمی شمارد اما "احساس امنیت" در فضاهای شهری یکی از مهمترین شاخص های کیفیت فضا محسوب می شود. به طوریکه؛ مدیریت شهری از طریق به کار بستن برنامه ریزی و طراحی محیطی و با شناخت ویژگی های موثر مکانی و شرایط محیطی، می تواند از وقوع رفتارهای ناهنجار، جرم و جنایت در مکان های شهری پیشگیری نماید. که در همین راستا؛ اساسی ترین اصول "پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی" را می توان در اصطلاح (Opportunity, Target, Risk, Effort) OTREF خلاصه نمود. یعنی ارتکاب جرم تابعی است از هدف، خطر، تلاش و سود.

بنابراین؛ مسئله ای به نام وقوع جرائم در فضاهای شهری و برنامه ریزی برای تأمین امنیت در محیط های شهری مستلزم و نیازمند فرایندهای پژوهش و تحقیقات است. به عبارت دیگر؛ مدیران شهری در فرایند برنامه ریزی شهری، نیازمند شناخت وضع موجود به عنوان یکی از بنیادی ترین مراحل هستند. فرایند برنامه ریزی و طراحی محیطی امنیت در محیط زیست شهری، از این قاعده مستثنی نیست. لذا با توجه به اهمیت و نقش تأثیرگذار و تعیین کننده این امر لازم است به سه نکته مهم توجه شود:

- ۱- آمار و فراوانی انواع جرائم بانک اطلاعات به تفکیک انواع جرائم بر حسب مکان وقوع تهیه شود.
- ۲- انتخاب ابزارهای مناسب کاربرد متدولوژیک آنها پس از pretest و اطمینان از روائی و پایایی
- ۳- کمیته ای مرکب از کارشناسان جهت همکاری تشکیل شود.

منابع و مراجع

- ۱- صالحی، اسماعیل، ۱۳۸۷، ویژگیهای محیطی فضاهای شهری امن، تهران، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری ایران.
- ۲- صالحی، اسماعیل، ۱۳۸۳، تدوین ضوابط ایمن سازی فضاهای شهری به لحاظ ایمنی شهروندان و پیشگیری از جرم، طرح مطالعاتی وزارت مشکن و شهرسازی، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری ایران.
- ۳- عمید، حسن، ۱۳۶۹، فرهنگ فارسی عمید، انتشارات امیر کبیر، تهران.
- ۴- نجفی ابرنآبادی، علی حسین، هاشم بیگی، حمید، ۱۳۸۰، دانشنامه جرم شناسی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- 5- Petrella, Laura (2004), Urban Space and Security Policies: Between Inclusion and Privilization, UN Habitat; WUF, Barcelona, Spain.
- 6- Carmona, Matthew, Health team, oc, taner and tiesdel steven (2003), public places urban spaces, Architectural press, Newyork, paris.
- ۷- محمودی نژاد، هادی، سوزان آجوک، علی اکبر تقوایی، مجتبی انصاری، ۱۳۸۶، جلوگیری از جرایم شهری از طریق طراحی محیطی - بازخوانی حفاظت محیطی در شهرسازی و معماری سنتی، فصلنامه معماری ایران، شماره ۲۹ و ۳۰.
- 8- Groland, B. (2000), Towards the Humans City for the 21 st Century, Stockholm.
- 9- Crowe, T.D. (2000) Crime Prevention Through Environmental Design, stoneham, MA: Butterworth- Heinemann, P.P 87-95.
- 10- www.NICP.net
- 11- Cozens, P M, Hillier, D and Prescott, G (2001), Crime and Design of Residential Property, Exploring The Perceptions Of Planning Proffesionals, Burglars and other Users. Property Management 19(4), P.P 222-248.
- 12- Wekerle, M., Whitzman, R (1995), Safe Cities: Guidelines for Planning, Design and management; Van Nostrand Reinhold, USA
- 13- Cozens, P M, Hillier, D and Thorn, M (2008) Designing out crime in Western Australia: case study, property management 26(5), p.p 295-309.

۱۴- حشمتی، محمد، ۱۳۸۲، فضای قابل دفاع- استراتژی طراحی شهری جهت پیشگیری و کاهش جرایم، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

15- www.NCPC.org

۱۶- لینچ، کوین، ۱۳۷۲، سیمای شهر، ترجمه منوچهر مزینی، انتشارات دانشگاه تهران.

۱۷- بحرینی، حسین، ۱۳۷۵، تحلیل فضاهای شهری، انتشارات دانشگاه تهران.

18- Cozens, P M. (2000) Investigating Defensible space and the criminogenic Capacity of Characteristic British Housing Design. University of Glamorgan.

